



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 2
Autumn & Winter
2025-2026

Comparative Analysis of the United Nations General Assembly Resolutions on National Elections

Hadi Dadmehr 

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

Email: hdadmehr@uoz.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	This article conducts a comparative textual study of the biannual resolutions of the United Nations General Assembly on national elections from 2013 to 2023. The author argues that the concepts and phrases included in the texts of the resolutions have been increasingly and significantly strengthened. Based on this important objective fact, and also based on the practices of states during the drafting and adoption of the resolution texts, the article concludes that states' perceptions of the General Assembly resolutions go far beyond considering them as non-binding recommendations. The author uses the research data to support the argument that General Assembly resolutions, by legitimizing some ideas and practices, can promote the acceptance of democratic standards by states. In this way, they serve as an effective tool for the advancement of United Nations human rights goals and principles.
Received: 2025/05/26	
Received in revised form: 2025/07/21	
Accepted: 2025/08/23	
Published online: 2025/12/22	
Keywords: <i>General Assembly, International Law, National Elections, Resolutions.</i>	
How To Cite	Dadmehr, Hadi (2025). Comparative Analysis of the United Nations General Assembly Resolutions on National Elections. <i>Comparative Law Review</i> , 16 (2), 459-481. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.395172.634761
DOI	10.22059/jcl.2025.395172.634761
Publisher	The University of Tehran Press. 



مطالعه تطبیقی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد انتخابات ملی

هادی دادمهر✉

استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. رایانامه: hdadmehr@uoz.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در این مقاله به مطالعه تطبیقی متن قطعنامه‌های انتخاباتی دوسالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ پرداخته می‌شود. نویسنده با گزینش منابع، پژوهش در اسناد و نیز تفسیر تطبیقی داده‌ها به این نتیجه می‌رسد که مفاهیم و عبارات مندرج در متن قطعنامه‌ها به شکل فزاینده و معناداری تقویت شده‌اند. متعاقب اثبات این واقعیت عینی مهم، تلاش شده است تا با استناد به رویه دولت‌ها در هنگام تدوین و تصویب متن قطعنامه‌ها، نشان داده شود که نوع مواجهه دولت‌ها با قطعنامه‌های مجمع عمومی بسیار فراتر از تلقی آنها به عنوان توصیه‌نامه‌های غیرالزام‌آور است. پژوهشگر تلاش کرده است تا از یافته‌های انضمامی تحقیق در جهت تقویت این استدلال انتزاعی استفاده نماید که قطعنامه‌های مجمع عمومی با بهره‌مندی از ظرفیت مشروع‌سازی ایده‌ها و رویه‌ها می‌توانند بر پذیرش تدریجی استانداردهای دموکراتیک از سوی دولت‌ها اثر گذاشته، از این حیث یک ابزار مؤثر برای پیشبرد اهداف و اصول حقوق بشری سازمان ملل متحد باشند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱	
کلیدواژه‌ها: انتخابات ملی، حقوق بین‌الملل، قطعنامه، مجمع عمومی.	
استناد	دادمهر، هادی (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد انتخابات ملی. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۶ (۲)، ۴۵۹-۴۸۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.395172.634761
DOI	10.22059/jcl.2025.395172.634761
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

برگزاری انتخابات ملی یک فرایند سطح بالای سیاسی است که نتایج اجتماعی بسیار مهمی را در درون دولت‌ها و نیز در سطح بین‌المللی رقم می‌زند. انتخابات ضمن اینکه باعث تغییر مسالمت‌آمیز تصمیم‌گیرندگان عالی دولت‌ها می‌شود، به افزایش مشروعیت بین‌المللی آنها نیز کمک می‌کند (Ghanbarloo, 2015: 172). منشور ملل متحد در ماده‌های ۱۰ تا ۱۴ خود این اختیار را به مجمع عمومی ملل متحد داده است تا در حیطه صلاحیت خود توصیه‌هایی در قالب صدور قطعنامه به دولت‌ها بنماید. موضع دیوان بین‌المللی دادگستری درباره اعتبار قطعنامه‌های مجمع عمومی در آغاز این گونه بود که قطعنامه‌های مجمع در هر جایگاهی که باشند فاقد کوچک‌ترین اثر حقوقی هستند، اما این رأی مورد انتقاد شدید جامعه بین‌المللی قرار گرفت و متعاقباً اصلاح شد (Momtaz, 1389: 47). امروزه مجمع را می‌توان نهادی با صلاحیت شبه قانون‌گذاری نامید که قطعنامه‌های آن به‌خودی خود در زمره منابع نرم حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند (Bigdeli, 1389, 50, 60). مجمع عمومی پس از جنگ سرد با صدور قطعنامه‌های ادواری، تمایل خود به تقویت دموکراسی در دولت‌های عضو را نشان داده، اما نوع این حمایت را محدود به دموکراسی شکلی یعنی برگزاری انتخابات نموده است (Azizi, 1389: 162-3). مجمع در قطعنامه سال ۲۰۱۰ برای نخستین بار از دموکراسی به‌عنوان یک ارزش جهانی نام برده است درحالی که در هیچ‌یک از قطعنامه‌های گذشته از این عبارت استفاده نکرده بود (Zamani, 1389: 273). امروزه جامعه بین‌المللی به این نتیجه رسیده است که بهترین راه رعایت حقوق بشر و حاکمیت قانون، پایبندی به اصول دموکراسی است و در همین راستا می‌توان شاهد تلاش برای بین‌المللی شدن تضمینات حقوق داخلی در عرصه انتخابات ملی بود (Seifi & Zamani, 2000: 15).

در این تحقیق به‌طور متمرکز به پژوهش درباره محتوای قطعنامه‌های انتخاباتی ملل متحد پرداخته می‌شود و روند تغییرات آن در گذر زمان به شکل تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. الگوی روش‌شناسی تحقیق به شکل استقرایی با تمرکز بر داده‌های عینی آغاز می‌گردد و در ادامه تلاش می‌شود تا با طرح مباحث نظری، تحلیل قابل‌قبولی از اهمیت حقوقی داده‌های یادشده به‌دست آید. به این ترتیب، مباحث این مقاله با طرح الگوی کلی مشارکت سازمان ملل متحد در برگزاری انتخابات ملی آغاز می‌شود و در بخش دوم محتوای قطعنامه‌ها به‌طور دقیق ارزیابی شده، دلایل اهمیت حقوقی آن مطرح می‌گردد. یافته‌های بخش دوم تحقیق در انطباق با الگوهای نظری مطرح در بخش سوم در خصوص ارزش و اهمیت قطعنامه‌های مجمع عمومی است. تاکنون در ادبیات حقوقی کشور هیچ تحقیق مستقل و جامعی درباره مقایسه تطبیقی ادبیات قطعنامه‌های انتخاباتی مجمع عمومی و دلالت‌های معنایی آن انجام نشده است. هرچند مطالعات تطبیقی ارزنده‌ای درباره ابعاد گوناگون قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت گرفته است^۱، اما در حیطه تحقیقات مربوط به قطعنامه‌های مجمع عمومی چنین پیشینه‌ای

۱. برای مثال، نک: مولایی، یوسف (۱۳۷۳). قدرت اجرایی قطعنامه‌های شورای امنیت (جنگ عراق و کویت). مجله دانشکده

مشاهده نمی‌شود. امید است که یافته‌های تحقیق بتواند برای تداوم مطالعه تطبیقی اسناد ملل متحد و نیز ارائه تحلیل‌های متفاوت مفید واقع گردد.

۲. سازمان ملل متحد و انتخابات ملی

هرچند انتخابات اساساً بخشی از فرایندهای ملی محسوب می‌شود، اما سازمان ملل متحد به شکل فزاینده‌ای در حمایت از برگزاری انتخابات ملی ایفای نقش نموده است. اساساً تاریخ سازمان ملل متحد با مقوله برگزاری انتخابات ملی گره خورده است، زیرا سازمان از دوران قیمومت و استعمارزدایی اقدام به نظارت و سرپرستی بر انتخابات متعددی در سراسر دنیا نموده است. دبیرکل ملل متحد در جدیدترین گزارش خود درباره کمک‌های انتخاباتی به مجمع عمومی اعلام داشته است که یک چارچوب هنجاری خیره‌کننده با هدف بهبود برگزاری انتخابات در سراسر جهان ایجاد شده و نقش ملل متحد در کمک به استقرار این چارچوب تعیین‌کننده است.^۱ در حال حاضر کمک‌های انتخاباتی سازمان ملل متحد با دو الگوی کلی، طرح درخواست^۲ از سوی دولت‌های عضو و یا صدور مأموریت^۳ از جانب شورای امنیت و مجمع عمومی، ارائه می‌شود.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بارها با صدور قطعنامه‌هایی اعلام داشته است که کمک‌های انتخاباتی این سازمان به شکل بی‌طرفانه، مستقل و با رعایت حاکمیت دولت‌ها و تأکید بر مسئولیت اولیه هر دولت در سازماندهی انتخابات ارائه می‌شود. ملل متحد دارای یک دایره مستقل انتخابات^۴ در دپارتمان امور سیاسی و ایجاد صلح ملل متحد است که مبنای فعالیت آن تحقق بند سوم ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه) است. از سال ۱۹۹۱ که دبیرکل ملل متحد تصمیم گرفت تا دستیار خود در امور سیاسی و ایجاد صلح را به‌عنوان مرجع اصلی^۵ موضوعات مرتبط با کمک‌های انتخاباتی ملل متحد اعلام نماید تاکنون بیش از ۱۰۰ درخواست کمک انتخاباتی از سوی دولت‌ها به مرجع پیش‌گفته واصل شده است.^۶ چنان‌که گفته شد کمک‌های انتخاباتی ملل متحد صرفاً در صورت ارائه درخواست دولت‌های عضو

حقوق و علوم سیاسی، ۳۳ (۱)، ۸۳-۱۱۰. مومنی‌راد، احمد؛ موسوی‌فر، سید حسین (۱۳۹۱). موازین وضع تحریم‌های شورای امنیت و وضعیت حقوق بشر در قطعنامه‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱ (۲)، ۱۴۱-۱۶۲. قرشی، سید یوسف (۱۳۹۵). واشکافی قطعنامه‌های شورای امنیت ناظر به کره شمالی؛ تحلیلی گفتمانی با نگاه فرکلاف. سیاست جهانی، ۱۶ (۲)، ۱۰۷-۱۴۵. جعفری‌فر، احسان و نصیری‌حامد، رضا (۱۴۰۱). نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در صدور قطعنامه‌ها علیه داعش. سازمان‌های بین‌المللی، ۵ (۱)، ۳۳-۶۰.

1. A/78/260 (2023) P.13

2. Request

3. Mandate

4. United Nations Electoral Assistance Division (UNEAD)

5. Focal point

۸. اطلاعات فوق در آدرس زیر قابل دستیابی است: <https://dppa.un.org/en/election>, Retrieved March 12, 2025

ملل متحد و یا مبتنی بر دستور شورای امنیت یا مجمع عمومی ارائه می‌شود. در حالت معمول، دولت متقاضی باید یک نامه رسمی خطاب به دبیرکل و یا دستیار دبیرکل در امور سیاسی و ایجاد صلح تنظیم کرده، درخواست کمک انتخاباتی نماید. تمامی درخواست‌های کمک انتخاباتی به مرجع اصلی کمک‌های انتخاباتی که همان دستیار دبیرکل در امور سیاسی و حفظ صلح است، ارسال می‌شود. ارزیابی درخواست‌ها از سوی یک هیئت نیازسنجی^۱ در بخش کمک‌های انتخاباتی صورت می‌پذیرد و نتیجه بررسی‌های هیئت، در قالب پیشنهاد به ارائه کمک یا عدم کمک انتخاباتی گزارش داده می‌شود. از اطلاعات پیش گفته چنین برمی‌آید که اساساً لازمه ارائه هرگونه کمک انتخاباتی از طریق سازمان ملل متحد تحقق دو شرط اصلی است: نخست، ابتنای ارائه کمک بر دستور شورای امنیت یا مجمع عمومی و یا دریافت تقاضای رسمی از سوی دولت عضو، و دوم مثبت بودن نتیجه نیازسنجی ارائه کمک انتخاباتی از جانب مرجع اصلی کمک‌های انتخاباتی ملل متحد.

در گزارش‌های دبیرکل ملل متحد که به شکل دوسالانه منتشر می‌شود، اطلاعاتی درباره سیر فزاینده درخواست کمک انتخاباتی دولت‌ها و تلاش‌هایی که در جهت افزایش حمایت سازمان از فرایند دموکراتیک‌سازی در درون دولت‌های عضو صورت می‌پذیرد، ارائه شده است. دبیرکل در جدیدترین گزارش خود تا زمان نگارش این مقاله، با ارائه یک نمودار، به تبیین سیر صعودی تعداد دولت‌های درخواست‌کننده کمک انتخاباتی ملل متحد در فاصله گزارش‌های دوسالانه دبیرکل به مجمع پرداخته است.^۲ گزارش دبیرکل نشان می‌دهد که ملل متحد از سال ۱۹۹۱ تاکنون به ۱۱۵ دولت کمک انتخاباتی کرده است.



نمودار سیر صعودی تعداد دولت‌های دریافت‌کننده کمک انتخاباتی ملل متحد در فاصله گزارش‌های ادواری دوسالانه دبیرکل (توضیح: خط بالایی نمایانگر تعداد کمک انتخاباتی ملل متحد به دولت‌ها و خط پایینی نمایانگر تعداد سرپرستی انتخابات از سوی شورای امنیت است).

1. Needs Assessment Mission (NAM)

2. A/78/260, 2023, P.18

در بخش آتی به بررسی عملکرد مجمع عمومی در زمینه صدور قطعنامه‌های حمایتی از اصل برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه پرداخته می‌شود. در این خصوص مقدماً باید اظهار داشت که هرچند درباره ارزش حقوقی قطعنامه‌های مجمع تردیدهایی وجود داشته و عموماً به این گزاره استناد می‌شود که مجمع بر ساخته از نمایندگان دولت‌ها است و به‌طور گریزناپذیر ملاحظات منافع ملی دولت‌ها را پیگیری می‌کند و اساساً دستور کار حقوقی ندارد، اما در پاسخ باید اظهار داشت که فرایند قانون‌سازی به هر صورتی که باشد ضرورتاً یک فرایند سیاسی است. در این معنی، رویه دولت‌ها و تصویب کنوانسیون‌ها با اهداف سیاسی پیگیری می‌شود و حتی فرایندهای قضایی نیز مصون از روندهای سیاسی نیستند. افزون بر این، نمی‌توان گفت که ملاحظات حقوقی نقشی در مباحثات ارگان‌های سیاسی ملل متحد ندارد، زیرا دولت‌ها حین بحث در این مجامع به‌طور مرتب به اصول مندرج در منشور و سایر اصول حقوق بین‌الملل استناد می‌کنند (Asamoah, 1966: 73). همچنین چنان‌که در ادامه به تفصیل خواهد آمد، آثار قطعنامه‌های مجمع را نباید صرفاً بر اساس شاخص الزام‌آوری آنها بررسی کرد، زیرا قطعنامه‌ها حامل آثار ماهوی دیگری مانند اثر مجوزبخشی، قدرت‌بخشی و اقتدارزدایی نیز هستند و می‌توانند حقوق یا تعهدات ممنوعیت‌زا برای دولت‌ها ایجاد کنند (Öberg, 2005: 879-80, 886).

در این میان، ارجاع مستمر یا تکرار تصویب قطعنامه‌ای که اشعار می‌دارد حقوق بین‌الملل رفتار خاصی را از دولت‌ها انتظار دارد، نشان‌دهنده اهمیت حقوقی آن قطعنامه برای اجتماع بین‌المللی دولت‌هاست. پدیده ارجاع مکرر یا تکرار تصویب یک قطعنامه می‌تواند جایگاه آن را از میان هزاران قطعنامه دیگر که در مجمع تصویب شده‌اند متمایز بسازد. این قطعنامه‌ها نشان می‌دهد که موضع اجتماع بین‌المللی درباره یک پدیده تصادفی نیست و طبیعتاً انتظارات از تبعیت آن بالاست. برخی از نویسندگان، اهمیت این امر را با اهمیت ارجاع محاکم نظام حقوقی کامن‌لا به پرونده‌های پیشین مقایسه کرده و اظهار داشته‌اند که ارگان‌های سیاسی ملل متحد نیز به‌مانند محاکم قضایی دغدغه عمیقی درباره اهمیت تصمیمات گذشته و ارزش پیشینه رفتاری خود دارند (Bleicher, 1969: 453-4). به همین دلیل، عقب‌گرد از موازین قطعنامه‌ها دشوار است، زیرا صدور چند قطعنامه با محتوای متفاوت درباره یک موضوع واحد می‌تواند اعضا را در برابر گزاره‌های متناقض قرار بدهد (Peterson, 2005: 129). قطعنامه‌های تکرارشونده ادعاها را تقویت نموده، نمایانگر روند رویه دولت‌ها است و بر همین اساس تقویت ادبیات قطعنامه در گذر زمان نشان‌دهنده تثبیت موضع آن قطعنامه و در نقطه مقابل، تضعیف ادبیات قطعنامه و کاهش حمایت دولت‌ها از آن نشان‌دهنده زوال موضع قطعنامه خواهد بود (Sloan, 1991: 112-13).

۳. سیر تکاملی قطعنامه‌های ادواری انتخاباتی در مجمع عمومی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۸ دسامبر ۱۹۸۸ یعنی در سال‌های پایانی جنگ سرد، قطعنامه تاریخی ۴۳/۱۵۷ را تصویب کرد. عنوان قطعنامه یادشده «تقویت کارایی اصل انتخابات ادواری و واقعی»^۱ بود که از آن تاریخ تا سال ۱۹۹۵ به صورت سالیانه و پس از آن به شکل دوسالانه مورد تصویب مجمع عمومی قرار گرفت و به یک قطعنامه ثابت^۲ در دستور کار مجمع عمومی تبدیل شد. در نخستین قطعنامه انتخاباتی مجمع، با اشاره به تعهدات دولت‌ها ذیل ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر ضرورت برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه تأکید شده است و نظام آپارتاید به عنوان نظامی که به اعمال تبعیض سیستماتیک بر اساس شاخص‌های نژادی و قومیتی در موضوع حق رأی شهروندان منجر می‌شود، مردود اعلام گردید. این قطعنامه از سال ۱۹۹۵ و هم‌زمان با تغییر عنوان آن به «تقویت نقش ملل متحد در ارتقای اصل انتخابات ادواری و واقعی و ترویج دموکراتیک‌سازی»^۳، به تدریج دستخوش تغییرات محتوایی گردید. تغییرات محتوایی قطعنامه، بازتاب تغییر اوضاع و احوال سیاست بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد و تثبیت دموکراسی به عنوان الگوی مطلوب حکمرانی بوده است.

قطعنامه‌های سازمان ملل متحد عموماً مرکب از دو بخش کاملاً متمایز هستند؛ بخش مقدماتی^۴ و بخش اجرایی^۵. مقدمات عموماً نمایانگر ملاحظات دربارۀ مبانی صدور قطعنامه است و نظرها و راهنمایی‌های کلی را دربر می‌گیرد، اما در بخش اجرایی به‌طور مشخص به بیان موضع مجمع عمومی و اقدامات آخذشده پرداخته می‌شود (D'Acquisto, 2017: 14). در قطعنامه‌های مجمع عمومی هر کلمه قدرت معنایی متفاوتی دارد؛ برای مثال برای درخواست کردن از دولت‌ها چهار کلمه متفاوت وجود دارد که قدرت هر یک متفاوت با دیگری است. در این خصوص، Calls upon قوی‌تر از Request است و Urge نیز از هر دو واژه پیشین قوی‌تر می‌باشد. همچنین واژه Demand که البته بسیار کم در قطعنامه‌ها استفاده می‌شود، نمایانگر بالاترین سطح درخواست مجمع عمومی است.^۶ پس از تصویب

1. A_RES_43_157 (1988), Enhancing the Effectiveness of the Principle of Periodic and Genuine Elections
2. Standing resolution
3. A_RES_50_185 (1995), Strengthening the role of the United Nations in enhancing the effectiveness of the principle of periodic and genuine elections and the promotion of democratization
4. Preamble
5. Operative

ع اطلاعات فوق در آدرس زیر قابل دستیابی است:

Drafting Resolutions: <https://www.un.org/en/model-united-nations/drafting-resolutions>. Retrieved March 15, 2025

قطعه‌نامه‌ها در صحن مجمع عمومی، یک تیم ویراستاری حرفه‌ای در مدت زمان بسیار کوتاه و در هماهنگی با هیئت‌های نمایندگی دولت‌ها، عباراتی را که به‌دقت مورد مذاکره قرار گرفته‌اند به پنج زبان زنده دنیا ترجمه و ویراستاری می‌کنند.^۱

نویسنده با بررسی تطبیقی متن قطعه‌نامه‌های متعدد مجمع عمومی درباره برگزاری انتخابات ملی، در تقویت این ادعا خواهد کوشید که زبان و ادبیات مورد استفاده در قطعه‌نامه‌های یادشده به صورت پیوسته به‌خصوص از سال ۲۰۰۹ به بعد تقویت شده است. در این باره باید اشاره کرد، درحالی که قطعه‌نامه سال ۲۰۰۷ و قطعه‌نامه‌های قبل از آن، جملگی با درج این گزاره آغاز شده است که «کمک انتخاباتی تنها با درخواست دولت‌های عضو صورت می‌پذیرد»، از سال ۲۰۰۹ سه پاراگراف مشخص درباره اهمیت دموکراسی به‌عنوان یک ارزش جهان‌شمول به صدر تمامی قطعه‌نامه‌ها اضافه شده است.^۲ مجمع عمومی، نخستین بار در مقدمه قطعه‌نامه سال ۲۰۰۹ تصریح کرده که دموکراسی یک ارزش جهان‌شمول است که بر اراده آزاد مردم در تعیین نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد. تأکید بر پیوستگی و ارتباط متقابل مقوله توسعه با دموکراسی و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین نیز از موضوعات جدید مندرج در متن قطعه‌نامه ۲۰۰۹ محسوب می‌شود.

همچنین در قطعه‌نامه سال ۲۰۰۹، پس از عبارت «انتخابات آزاد و منصفانه»، واژه شفاف^۳ به متن قطعه‌نامه اضافه شده است. نظر به زمینه تصویب قطعه‌نامه‌ها و تلاشی که در آن زمان برای جلب توجه دولت‌ها به استقبال از نظارت‌های بین‌المللی بر انتخابات انجام می‌پذیرفت، می‌توان اظهار داشت که قطعه‌نامه انتخاباتی سال ۲۰۰۹ با اضافه نمودن شاخص شفافیت به شاخص‌های قبلی و تأکید بر اینکه شفافیت رکن برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه است، در پی ترغیب دولت‌ها به دعوت از ناظران بین‌المللی در جهت شفاف‌سازی روند برگزاری انتخابات ملی بوده است. این مدعا با استناد به درج دو عبارت دیگر در متن قطعه‌نامه سال ۲۰۰۹ تقویت می‌شود: مجمع عمومی به‌صراحت و برای نخستین بار بر نقش نظارتی سازمان‌های بین‌المللی در برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه تأکید می‌کند و این امر را موجب افزایش «صحت فرایندهای انتخاباتی»، «افزایش اعتماد عمومی»، «افزایش مشارکت انتخاباتی»، و «کاهش احتمال ناآرامی‌های انتخاباتی» می‌داند. مجمع ضمن استقبال از تصمیم دولت‌هایی که با حرکت در این مسیر، از نظارت بین‌المللی بر انتخابات خود استقبال می‌کنند، به حمایت از صدور اعلامیه

۱. اطلاعات فوق در آدرس زیر قابل دستیابی است:

https://www.un.org/en/ga/second/78/docs/editing_resolutions_2.pdf. Retrieved March 15, 2025

2. A_RES_62_150 (2007)

3. A_RES_64_155 (2009)

4. Transparent

«اصول نظارت بین‌المللی بر انتخابات»^۱ که رهنمودهای مشخصی را برای نظارت بین‌المللی بر انتخابات مقرر داشته است، می‌پردازد.

از سوی دیگر، در قطعنامه سال ۲۰۱۳ برای نخستین بار از «تکلیف» دولت‌ها برای اتخاذ تمامی تمهیدات لازم برای تضمین دسترسی مؤثر شهروندان به حق مشارکت برابر در انتخابات سخن گفته شده است.^۲ این عبارت‌بندی که دارای ارزش حقوقی بالایی است، در تمامی قطعنامه‌ها تا سال ۲۰۲۳ تکرار شده است. همچنین از سال ۲۰۱۵ و متعاقب تصویب دستور کار توسعه ۲۰۳۰، قطعنامه انتخاباتی مجمع نیز این دستور کار را با تأکید بر رابطه متقابل و هم‌افزا بین صلح و توسعه با دموکراسی و حکمرانی مطلوب (شامل برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه) مورد استقبال داده است.^۳

مجمع عمومی در متن قطعنامه انتخاباتی سال ۲۰۱۷، نگرانی خود را از هرگونه اخلال در عملکرد نهادهای مبتنی بر حکمرانی دموکراتیک و یا برکناری غیرقانونی مقامات منتخب (اعم از اینکه از سوی دولت و یا بازیگران غیردولتی صورت پذیرد) ابراز می‌دارد.^۴ درج این عبارات، یک گام موقتی دیگر در جهت پاسداشت نتایج انتخابات و حمایت از مقامات منتخب در پروسه‌های دموکراتیک تلقی می‌شود. به همین منوال، در قطعنامه‌های سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ نیز بارها هرگونه دست‌کاری در فرایند انتخاباتی و شمارش آراء، به‌خصوص از سوی دولت‌ها شدیداً محکوم شده است. مجمع از سال ۲۰۱۷ به بعد در ادامه روند تقویت متن قطعنامه‌های انتخاباتی خود، ترویج دموکراسی و آزادی‌های بنیادین را از سطح آرمان به سطح یک کنش فعالانه بین‌المللی ارتقای مرتبه می‌دهد و زبان قطعنامه با درج این عبارت تجویزی تقویت می‌شود که: اجتماع بین‌المللی باید تقویت دموکراسی و ارزش‌های بنیادین را در سراسر جهان مورد حمایت قرار دهد. همچنین، مجمع عمومی برای نخستین بار در سال ۲۰۱۷ بر نقش مهم سازمان‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای در حمایت از برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه تأکید کرده است.

در قطعنامه سال ۲۰۲۱ نیز نکات مهم و تحولات محتوایی قابل‌توجهی یافت می‌شود. در این قطعنامه تأکید شده است که احترام به حقوق بشر و حمایت از اصول و نهادهای دموکراتیک باعث ایجاد فضایی می‌شود که در آن ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی در کنار حکومت، مقامات محلی، مدافعان حقوق بشر، جامعه مدنی، بخش خصوصی و مجامع علمی و فرهنگی بتوانند به رفع تبعیض از

1. Declaration of Principles for International Election Observation and the Code of Conduct for International Election Observers

2. A_RES_68_164 (2013)

3. A_RES_70_168 (2015)

4. A_RES_72_164 (2017)

5. A_RES_74_158 (2019)

6. A_RES_76_176 (2021)

اشخاص کمک کنند. قطعنامه ۲۰۲۱ همچنین شاخص «فراگیر بودن» را به انتخابات آزاد، منصفانه، شفاف و واقعی اضافه نموده است. در تبیین این شاخص، محور تمرکز متوجه گروه‌های اقلیت و حاشیه‌ای جامعه است. همچنین در قطعنامه یادشده، افزایش مشارکت انتخاباتی زنان (که در حال حاضر فقط یک چهارم ترکیب مجالس قانون‌گذاری را تشکیل می‌دهند) به عنوان راهی برای گذار به دموکراسی‌های پایدار بلندمدت مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا، قطعنامه سال ۲۰۲۱ برای نخستین بار از دولت‌ها می‌خواهد که هرگونه قوانین، مقررات و رویه‌هایی را که باعث تبعیض مستقیم یا غیرمستقیم علیه حق مشارکت شهروندان در امور عمومی بر مبنای نژاد، قومیت، جنسیت، گرایش جنسی، مذهب، زبان و دیدگاه سیاسی می‌شود، لغو نمایند.

سرانجام در قطعنامه دسامبر سال ۲۰۲۳ که جدیدترین قطعنامه انتخاباتی مجمع تا زمان نگارش این مقاله محسوب می‌شود، ضمن تأیید مندرجات قطعنامه پیشین، بر اهمیت ایجاد شرایط بالندگی رسانه‌های مستقل در جهت تسهیل اطلاع‌رسانی روزنامه‌نگاران به شهروندان درباره کاندیداها و احزاب تأکید شده و هرگونه اقدامی در جهت آزار و اذیت، تهدید، حمله و یا بازداشت خودسرانه روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای قویاً محکوم شده است. مجمع عمومی در راستای تقویت یکی از عبارات بحث‌برانگیزی که در قطعنامه سال ۲۰۲۱ درج شده بود، این بار به صراحت بر ضرورت حذف قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه حق مشارکت اشخاص در امور عمومی بر اساس مواردی مانند «جنسیت، هویت جنسی و گرایش جنسی» تأکید نموده است.

جدول: سیر تکامل مفاهیم مندرج در قطعنامه تقویت نقش ملل متحد در ارتقای کارایی اصل انتخابات ادواری و واقعی و ترویج دموکراتیک‌سازی^۲ (۲۰۲۳ - ۲۰۰۹)

عبارات مندرج در متن قطعنامه	۲۰۰۷	۲۰۰۹	۲۰۱۱	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۷	۲۰۱۹	۲۰۲۱	۲۰۲۳
دموکراسی یک ارزش جهان‌شمول است.	—	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
از اعلامیه اصول نظارت بین‌المللی بر انتخابات و مجموعه مقررات ناظران بین‌المللی انتخابات استقبال می‌شود.	—	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
یادآور می‌شود که نظارت	—	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

1. A_RES_78_208 (2023)

۲. پژوهش مشابه در خصوص عبارت‌بندی و مفاهیم مندرج در قطعنامه‌های سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ در منبع زیر قابل دسترسی است: Tuccinardi, Domenico (2014). International Institute for Democracy and Electoral Assistance, Retrieved March 13, 2025 from <https://www.idea.int/publications/catalogue/international-obligations-elections-guidelines-legal-frameworks>

۲۰۲۳	۲۰۲۱	۲۰۱۹	۲۰۱۷	۲۰۱۵	۲۰۱۳	۲۰۱۱	۲۰۰۹	۲۰۰۷	عبارات مندرج در متن قطعهنامه
									بین‌المللی بر انتخابات به افزایش اعتماد عمومی و کاهش احتمال اختلال انتخاباتی می‌انجامد.
✓	✓	✓	✓	✓	✓	_____	_____	_____	تأکید مجدد می‌شود که تمامی دولت‌ها موظفاند حق و فرصت مشارکت مؤثر در انتخابات را به صورت برابر برای همه شهروندان تأمین نمایند.
✓	✓	✓	✓	✓	_____	_____	_____	_____	دربارهٔ برکناری غیرقانونی مقامات منتخب از سوی دولت‌ها یا بازیگران غیردولتی ابراز نگرانی جدی می‌شود.
✓	✓	✓	✓	_____	_____	_____	_____	_____	تأکید می‌گردد که اجتماع بین‌المللی باید از دموکراسی در سراسر جهان حمایت نماید.
✓	✓	✓	✓	_____	_____	_____	_____	_____	هرگونه دست‌کاری در فرایند انتخاباتی و اعمال زور و نفوذ در شمارش آراء، به‌خصوص از سوی دولت‌ها، قویاً محکوم می‌گردد.
✓	✓	_____	_____	_____	_____	_____	_____	_____	از دولت‌ها خواسته می‌شود که قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه مشارکت شهروندان در امور عمومی را حذف نمایند.
✓	✓	_____	_____	_____	_____	_____	_____	_____	بر اهمیت انتخابات آزاد، منصفانه، ادواری، فراگیر و واقعی تأکید می‌شود.
✓	_____	_____	_____	_____	_____	_____	_____	_____	بر ضرورت ایجاد محیط رشد رسانه‌های مستقل با امکان اطلاع‌رسانی روزنامه‌نگاران به شهروندان دربارهٔ کاندیداها و احزاب تأکید می‌گردد.
✓	_____	_____	_____	_____	_____	_____	_____	_____	از دولت‌ها درخواست می‌شود که قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه حق مشارکت اشخاص در امور عمومی را بر اساس مواردی مانند، جنسیت، هویت جنسی و گرایش جنسی حذف نمایند.

بررسی تطبیقی روند تحول و تکامل قطعنامه‌های انتخاباتی ملل متحد را می‌توان از زاویه‌ای دیگر و با بررسی روند تصویب یک قطعنامه تکرارشونده دیگر با عنوان «احترام به اصول حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها در زمینه فرایندهای انتخاباتی»^۱ پی گرفت. مجمع عمومی از سال ۱۹۸۹ یعنی یک سال پس از تصویب قطعنامه «تقویت کارایی اصل انتخابات ادواری و واقعی»، تصمیم گرفت که همه‌ساله و در همان جلسه‌ای که قطعنامه مذکور مورد تصویب قرار می‌گیرد، قطعنامه‌ای حاکمیت‌گرا نیز برای تضمین احترام به اصول حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها در زمینه فرایندهای انتخاباتی تصویب نماید. در واقع، این قطعنامه با هدف رفع نگرانی دولت‌هایی تصویب شد که نگران خدشه‌دار شدن حاکمیت ملی خود به دلیل دخالت فزاینده اجتماع بین‌المللی در امور انتخابات ملی بودند. تحلیل متن قطعنامه‌های اخیر که از سال ۲۰۰۱ به بعد با عنوان جدید «احترام به اصول حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها در زمینه فرایندهای انتخاباتی؛ به‌عنوان یک مؤلفه مهم در ترویج و حمایت از حقوق بشر»^۲ صادر شده است، اماره مهم دیگری درباره روند تحولات بین‌المللی مربوط به انتخابات ملی در اختیار پژوهشگر می‌گذارد.

برای پی بردن به تغییرات محتوایی قطعنامه‌های حاکمیت‌گرا در گذر زمان، ناگزیر باید از مقایسه تطبیقی متن آنها با یکدیگر استفاده کرد. این مقایسه نشان می‌دهد که برخلاف قطعنامه‌های انتخاباتی پیشین که وزن هنجاری آنها در هر بار تصویب مجدد، در جهت حمایت از مشارکت جامعه بین‌المللی در برگزاری انتخابات ملی تقویت شده است، قطعنامه‌های حاکمیت‌گرا یک روند معکوس را در زمینه تقویت مفاهیم اصلی قطعنامه پی گرفته‌اند. این روند نشان می‌دهد که مفهوم حاکمیت ملی به‌عنوان رکن اصلی قطعنامه‌های اخیر، به طرز قابل ملاحظه‌ای تحت الشعاع تحولات حقوق بشری قرار گرفته است. در نخستین قطعنامه احترام به حاکمیت که در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ تصویب گردید، نقطه تمرکز بر احترام به حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها با ارجاع به اصول منشور ملل متحد قرار داشته است. در این قطعنامه با استناد به قطعنامه ۲۶۲۵ سال ۱۹۷۰ با عنوان اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها، به حق تعیین سرنوشت به‌عنوان مبنایی برای دفاع از حق انتخاب آزادانه سیستم سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها اشاره شده است.

در قطعنامه سال ۱۹۸۹ تأکید شده که مقوله تعیین روش برگزاری انتخابات، استقرار نهادهای مربوط به فرایندهای انتخاباتی و روش‌های اجرایی برگزاری انتخابات، صرفاً دغدغه مردم دولت برگزارکننده انتخابات

1. A_RES_44_147 (1989), Respect for the principles of national sovereignty and non-interference in the internal affairs of States in their electoral processes.
2. A_RES_56_154 (2001), Respect for the principles of national sovereignty and non-interference in the internal affairs of States in electoral processes as an important element for the promotion and protection of human rights

است و هرگونه فعالیت خارجی مستقیم یا غیرمستقیم برای مداخله در روند توسعه آزادانه فرایندهای انتخاباتی به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه، نقض روح و متن اصول مندرج در منشور و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ناظر به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌هاست. مطالعه تطبیقی قطعنامه‌هایی که از سال ۲۰۰۱ به بعد^۱ منتشر شده است نشان می‌دهد که پاراگراف یادشده از متن قطعنامه‌های بعدی حذف شده است. همچنین، این پاراگراف ناظر به یادآوری تکلیف دولت‌ها در احترام به حق تعیین سرنوشت مردم از حیث تعیین آزادانه وضعیت سیاسی خود بدون مداخله خارجی بود که به‌رغم جایگاه ثابت آن در پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه‌های پیشین، از متن قطعنامه‌های ۲۰۰۱ به بعد حذف شد.

این مطالعه نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ تغییرات مشهودی در متن و ادبیات این قطعنامه‌های حاکمیت‌گرا شکل گرفته است. جهت این تغییرات، بین‌المللی تلقی شدن وجوهی از فرایندهای بین‌المللی انتخاباتی بوده است که پیش از این در دایره انحصاری صلاحیت ملی قرار داشته است. برای مثال، عبارت «فرایندهای انتخاباتی تابع فاکتورهای تاریخی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی هستند» که در متن قطعنامه^۲ ۱۹۹۷ وجود داشت، در قطعنامه^۳ ۱۹۹۹ جای خود را به یک عبارت‌بندی ضعیف‌تر می‌دهد: فرایندهای انتخاباتی مبتنی بر ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیش‌زمینه‌های گوناگون است. همچنین در قطعنامه^۴ ۱۹۹۷ آمده بود که کمک انتخاباتی ملل متحد صرفاً با درخواست مشخص دولت‌های حاکم صورت می‌گیرد و این کمک در انطباق دقیق با اصول حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها خواهد بود. پاراگراف اخیر در قطعنامه^۵ ۲۰۰۱ با تضعیف ادبیات آن به صورت «کمک انتخاباتی ملل متحد با درخواست مشخص دولت عضو صورت می‌پذیرد» بیان شده است و جایگاه آن نیز در متن قطعنامه از پاراگراف اجرایی شماره چهار به درج در مقدمه قطعنامه تنزل یافته است. در مقابل، درحالی که در قطعنامه^۶ ۱۹۹۹ موكداً از دولت‌ها تقاضا^۴ شده بود تا از تأمین مالی یا ارائه هرگونه کمک مستقیم یا غیرمستقیم به احزاب سیاسی به‌منظور اخلال در فرایندهای انتخابات خودداری نمایند، در سال ۲۰۰۱ از عبارت قوی‌تر از دولت‌ها «خواسته می‌شود»^۵ استفاده گردید (Goodwin-Gill, 2006: 25-7).

در سه قطعنامه سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ نیز با درج پاراگراف اجرایی شماره دو، اظهار گردید که انتخابات آزاد و منصفانه و ادواری، بخش مهمی از فرایند ترویج صیانت از حقوق بشر محسوب می‌شود. همچنین در مقدمه قطعنامه‌های یادشده، مشارکت ملل متحد در ارائه کمک‌های انتخاباتی به دولت‌های متعدد به رسمیت شناخته شده است. در این قطعنامه‌ها با درج پاراگراف اجرایی شماره هشت، به

1. A_RES_58_189 (2003), A_RES_60_164 (2005).

2. A_RES_52_119 (1997)

3. A_RES_54_168 (1999)

4. Appeal

5. Calls upon

نحو مترقیانه‌ای تأکید شده است که اراده مردم باید مبنای اقتدار حکومت باشد و این اراده در انتخابات واقعی و ادواری که مردم در آن از حق رأی برابر و همگانی برخوردار هستند، با رأی مخفی و یا سایر رویه‌های رأی‌دهی آزادانه مشابه اعمال می‌گردد.

یکی از تحولات مهم و قابل ذکر در متن قطعنامه حاکمیت‌گرای سال ۲۰۰۵، پذیرش مبحث وابستگی متقابل بین مفاهیم دموکراسی، حکمرانی مطلوب، رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین با مقوله توسعه پایدار است. در این قطعنامه، دولت‌ها پذیرفتند که احترام به حاکمیت قانون را در سطح ملی تقویت نمایند و این درحالی است که تا پیش از این، کاربرد چنین عبارات‌های تأییدآمیزی درباره دموکراسی در متن قطعنامه‌های حاکمیتی سابقه نداشت.

تغییرات ملموسی که با گذر زمان در متن قطعنامه‌های حاکمیت‌گرا به نفع موازین حقوق بشری صورت گرفت، مانع از این نشد که در سال ۲۰۰۵ ناخوشایندترین رویدادهای ممکن برای دولت‌های حامی این قطعنامه اتفاق بیفتد: از این سال به بعد، روند تصویب قطعنامه‌های حاکمیت‌گرا در مجمع عمومی متوقف گردید. اهمیت این تصمیم مهم تاریخی در شرایطی برجسته می‌شود که بدانیم در حال حاضر تصویب دوسالانه قطعنامه تقویت نقش ملل متحد در برگزاری انتخابات که به موازات قطعنامه حاکمیت‌گرا صادر می‌گردید، همچنان در دستور کار مجمع عمومی قرار دارد.

۴. آثار حقوقی تقویت قطعنامه‌های انتخاباتی مجمع عمومی

قطعنامه‌های مجمع عمومی در دکتترین سنتی منابع حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار نگرفته است. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اشعار می‌دارد که دیوان باید اختلافات ارجاعی را بر اساس معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی، تصمیمات قضایی و آموزه‌های برجسته‌ترین دانشمندان حقوق بین‌الملل رسیدگی نماید. با این توصیف، قطعنامه‌های مجمع عمومی منبع مستقل حقوق بین‌الملل به‌شمار نمی‌روند. این قطعنامه‌ها چنان که در منشور ملل متحد درج شده است، اصولاً برای دولت‌ها الزام‌آور نیستند، اما آیا غیرالزام‌آور بودن قطعنامه‌های مجمع عمومی به معنی بی‌ارزش بودن آنها از حیث درج در منابع حقوق بین‌الملل است؟ به‌نظر می‌رسد که بین قطعنامه‌های مجمع عمومی و منابع حقوق بین‌الملل رابطه ظریفی وجود دارد. برای مثال، می‌توان از برخی از قطعنامه‌های مجمع به‌عنوان تفسیر معتبر اصول مختلف منشور استفاده کرد (Shaw, 2021: 98). در زمینه حقوق بین‌الملل عرفی نیز پاره‌ای از قطعنامه‌های مجمع می‌توانند منعکس‌کننده عرف بین‌المللی باشند. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای می‌گوید:

قطعنامه‌های مجمع عمومی حتی اگر الزام‌آور نباشند، می‌توانند ارزش هنجاری داشته باشند. ممکن است این قطعنامه‌ها در اوضاع و احوال مشخص، مدارک مهمی برای اثبات وجود یک قاعده و یا ظهور باور حقوقی

باشند. برای تعیین برخورداری یک قطعنامه خاص از چنین اثری، باید به محتوای قطعنامه، شرایط تصویب آن و همچنین باور حقوقی دولت‌ها به ماهیت هنجاری قطعنامه توجه نمود. وجود مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها می‌تواند نشان‌دهنده شکل‌گیری تدریجی باور حقوقی لازم برای ایجاد یک قاعده عرفی جدید باشد.^۱

چنین حکمی به‌خصوص درباره قطعنامه‌های تکرارشونده و پراستناد مجمع عمومی صادق خواهد بود (Schwebel, 1979: 303-4). روزلان هیگینز در کتاب معروف خود به نام توسعه حقوق بین‌الملل از طریق ارگان‌های سیاسی مجمع عمومی به‌درستی ادعا می‌کند که هرچند قطعنامه‌های مجمع فی‌نفسه الزام‌آور نیستند، اما مجموع آنها به‌عنوان یک کل، می‌تواند اماره وجود حقوق بین‌الملل عرفی باشد و از این حیث بی‌تردید یک منبع غنی محسوب می‌شود. وی همچنین به امکان توسعه قواعد جدید حقوق بین‌الملل از طریق درج و تبیین قواعد پیشین در قطعنامه‌های مجمع عمومی اشاره می‌کند (Higgins, 1963: 5; Joyner, 1981: 477-8).

وزن هر قطعنامه مجمع عمومی، بر اساس شاخص‌هایی مانند میزان شفافیت یا ابهام محتوای قطعنامه، الگوی رأی‌گیری (یعنی تعداد دولتهایی که به قطعنامه رأی مثبت، منفی و ممتنع داده‌اند) و نیز تأیید مفاد قطعنامه در قطعنامه‌های بعدی سنجیده می‌شود. رأی دولت‌ها به قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌تواند رویه حقوقی نیز ایجاد کند^۲ و از این طریق به شکل‌گیری قاعده حقوق بین‌الملل عرفی بینجامد. از آنجا که برای اعضای ملل متحد تصویب قطعنامه‌ای که بیشترین توافق درباره آن وجود داشته باشد بسیار حائز اهمیت است، قبل از تصمیم‌گیری درباره پیش‌نویس هر قطعنامه ساعت‌ها درباره تمامی واژه‌های مندرج در آن، مذاکرات فشرده صورت می‌گیرد. در صورتی که درباره متن قطعنامه اجماع^۳ ایجاد شود، قطعنامه بدون رأی‌گیری تصویب می‌گردد. بنابراین پایه‌ای‌ترین معنای اجماع، تصویب پیش‌نویس قطعنامه بدون رأی‌گیری است. در اینجا البته باید یادآور شد که اجماع به این معنا نیست که دولت‌ها با تمامی واژه‌ها یا پاراگراف‌های مندرج در پیش‌نویس موافقت دارند، اما ممکن است یک قطعنامه با اینکه با اجماع به تصویب رسیده است، اما برخی دولت‌ها شروطی^۴ درباره آن اعمال کرده باشند. به هر روی، نکته حائز اهمیت درباره اجماع این است که در قطعنامه‌های اجماعی موضوع بسیار اختلاف‌برانگیزی وجود ندارد که دولت‌ها را به این نتیجه برساند که باید آن قطعنامه را به رأی بگذارند.^۵

1. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Reports 1996, pp. 226, 254, para. 70.

2. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America), Merits, Judgment, ICJ Reports 1986, pp. 14, 99, para. 188.

3. Consensus

4. Reservations

۵. اطلاعات فوق در آدرس زیر قابل دستیابی است:

<https://www.un.org/en/model-united-nations/how-decisions-are-made>

ریچارد فالک با اذعان به قدرت قطعنامه‌های اجماعی، بر اهمیت حصول توافق بین قدرت‌های بزرگ به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم کارآمدی قطعنامه‌های مجمع اشاره می‌کند (Falk, 1966: 790). برخی معتقدند تأکید فالک بر تحلیل قطعنامه‌ها از منظر کارآمدی، ناشی از پرورش ابتدایی این متفکر در مکتب نیو هیون^۱ و تأکیدی است که این مکتب بر شاخص کارآمدی حقوق دارد (Onuf, 1970: 353). با وجود این، نویسنده با چنین موضعی موافق نیست، زیرا مکتب نیو هیون در کنار شاخص کارآمدی به شاخص مشروعیت برگرفته از انتظارات اجتماع نیز بسیار توجه دارد و مطابق آموزه‌های این مکتب، قطعنامه‌ها بی‌شک می‌توانند نشان‌دهنده ارزش‌ها، نیازها و انتظارات اجتماعی بین‌المللی باشند. البته این به آن معنا نیست که تمام قطعنامه‌های مجمع عمومی ضرورتاً حقوق هستند. مک‌دوگال و لاسول برای تعیین اینکه آیا قطعنامه‌ها به درستی منعکس‌کننده انتظارات اجتماع درباره شاخص مشروعیت و اثربخشی هستند، به ضرورت توجه به تمامی فرایندهای ارتباطاتی بین بازیگران در خصوص تصویب آن قطعنامه اشاره می‌کنند (McDougal, Lasswell & Chen, 2019: 432). در این خصوص فاکتورهایی مانند تعداد و قدرت دولت‌های رأی‌دهنده به قطعنامه، سازگاری محتوای خطمشی قطعنامه با انتظارات عرفی و معاهداتی پیشین و نیز دیگر تمهیداتی که متعاقباً برای مؤثر ساختن عملی قطعنامه به کار گرفته می‌شود، مورد توجه است (McDougal and Reisman, 1980: 266). بنابراین، چنانچه قطعنامه مجمع عمومی بتواند باعث ایجاد انتظارات معقول بشود، می‌توان اظهار داشت که دولت‌ها تکلیف به تحقق این انتظارات دارند. از این منظر، مجمع یک چارچوب نهادی ایجاد کرده است که در آن مردم دنیا می‌توانند به وضوح انتظارات خود را درباره تمامی مسائل و فرایندهای ارزشی اجتماع بین‌المللی منتقل نمایند (Chen, 2015: 432). اساساً استفاده از زبان الزام‌آور در قطعنامه‌های توصیه‌ای مجمع عمومی را می‌توان کوششی برای خارج ساختن انحصار صلاحیت تصمیم‌گیری اجرایی شورای امنیت و حمایت از مشارکت مؤثر جامعه جهانی دولت‌ها در این حیطه قلمداد کرد (Solhchi, 2006: 54).

مباحث نظری پیش‌گفته پیرامون قدرت اثربخشی حقوقی قطعنامه‌های مجمع عمومی، به روش‌های مختلف در اسناد حقوقی بین‌المللی منعکس شده است. برای مثال در سال ۲۰۰۸، کمیسیون حقوق بین‌الملل دو سند نتیجه‌گیری درباره رویه سازمان‌های بین‌المللی و توسعه حقوق بین‌الملل منتشر کرد: یکی، سند پیش‌نویس نتیجه‌گیری‌ها درباره توافق بعدی و رویه بعدی دولت‌ها^۲، و دیگری، سند

un#:~:text=More%20About%20Consensus,same%20thing%20as%20being%20unanimous. Retrieved March 15, 2025

1. The New Haven School of International Law

2. International Law Commission Draft Conclusions on Subsequent Agreements and Subsequent Practice in Relation to the Interpretation of Treaties with Commentaries (2008).

پیش‌نویس نتیجه‌گیری‌ها درباره شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی^۱. درمجموع این دو سند تأیید می‌کنند که قطعنامه‌های مجمع به سه روش اثر حقوقی ایجاد می‌کنند؛ ایجاد رویه مستقر^۲، نخستین اثر حقوقی قطعنامه‌هاست که پیش از این مورد تأیید کنوانسیون حقوق معاهدات وین بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی^۳ و نیز سند پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی^۴ قرار گرفته است. دوم اینکه رویه مجمع می‌تواند نشان‌دهنده رویه بعدی^۵ دولت‌ها در معنای بند «ب» از پاراگراف سوم ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ باشد که به‌عنوان ابزار تکمیلی تفسیر ذیل ماده ۳۲ همان کنوانسیون قابل استفاده است. درنهایت اینکه رویه مجمع چنانچه همراه با اعتقاد حقوقی باشد، دلیلی بر وجود یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل خواهد بود (Barber, 2021: 19).

تنها در پرتو چنین نگاهی به ارزش حقوقی بالای قطعنامه‌های مجمع عمومی است که می‌توان میزان حساسیت بالای دولت‌ها در قبال تغییر ادبیات قطعنامه‌های انتخاباتی مجمع عمومی را تبیین نمود. در این خصوص، روسیه یکی از دولت‌هایی بوده که همواره در برابر اضافه شدن عبارات تأکیدی بیشتر به متن قطعنامه‌های انتخاباتی مقاومت نشان داده است. برای مثال، روسیه از زمان درج عبارت «پاسداشت اعلامیه اصول نظارت بین‌المللی بر انتخابات از سوی مجمع عمومی»، به‌طور مستمر طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ اصلاحیه‌هایی را برای حذف این پاراگراف از متن قطعنامه‌ها پیشنهاد کرده است. قابل ذکر است که تمامی اصلاحیه‌های مکتوب روسیه^۶ با رأی منفی دولت‌ها در مجمع مواجه شد و سرانجام این دولت از سال ۲۰۲۱ از طرح مجدد پیشنهاد خود مبنی بر حذف عبارت یادشده از متن قطعنامه ۲۰۲۱ خودداری نمود.

مثال دیگر اینکه در سال ۲۰۱۱ روسیه پیشنهاد داد که عبارت زیر به متن قطعنامه انتخاباتی اضافه گردد: سازمان ملل باید از بیان هر گزاره‌ای درباره نتایج فرایندهای انتخاباتی و یا اعلام پیروزی یکی از طرفین انتخابات تا زمان اعلام رسمی نتایج انتخابات به‌وسیله مقامات رسمی آن کشور خودداری نماید. در سال ۲۰۱۷ نیز روسیه پیشنهاد داد که در پایان پاراگراف اجرایی شماره سه قطعنامه ۲۰۱۷ این عبارت درج شود: هیئت‌های نظارت بر انتخابات باید در حین فعالیت خود به‌طور کامل، متعهد^۷ به اصل عدم مداخله در امور داخلی و فرایندهای انتخاباتی دولت میزبان باشند. همچنین در سال ۲۰۲۳ روسیه پیشنهاد نمود که حمایت از آزادی بیان رسانه‌ها، باید توأم با درج عبارت احتمال محدودسازی این حق به دلیل

1. International Law Commission Draft Conclusions on the Identification of Customary Law (2008)
2. Established practice
3. Vienna Convention on the Law of Treaties Between States and International Organizations or Between International Organizations (1986).
4. Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (2011)
5. Subsequent practice
6. A_C.3_66_L.71 (2011), A_C.3_68_L.72 (2013) A_C.3_70_L.64 (2015) A_C.3_72_L.65 (2017) A_C.3_74_L.6 (2019)
7. Obligated to abide strictly

لزوم رعایت برخی از تکالیف و مسئولیت‌ها تعدیل گردد^۱. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، تمامی پیشنهادها از سوی دولت‌های عضو مجمع رد شده است.

بدیهی است که با این قبیل حساسیت‌های جدی دولت‌ها در خصوص متن قطعنامه‌های مجمع عمومی، شاخص عددی آرای دولت‌ها به هر قطعنامه نقش مهم و معناداری در تعیین وزن و اعتبار حقوقی آنها ایفا می‌کند. نویسنده با بررسی تطبیقی الگوی رأی‌دهی دولت‌ها در دو قطعنامه انتخاباتی رقیب، به نکاتی مهم درباره شناخت موضع جامعه بین‌المللی درخصوص انتخابات ملی و رابطه آن با حاکمیت ملی پی برده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در فرایند تصویب قطعنامه‌های حمایت از حاکمیت ملی، به‌طور متوسط هر قطعنامه با ۶۰ رأی مخالف و ممتنع تصویب شده است و تعداد آرای مثبت دولت‌ها نیز به‌ندرت از ۱۰۰ رأی عبور کرده است^۲. در نقطه مقابل، الگوی رأی‌دهی دولت‌ها در تصویب قطعنامه‌های تقویت نقش ملل متحد در برگزاری انتخابات، مشخص می‌سازد که قطعنامه‌های اخیر به‌جز در سه مورد (مربوط به سال‌های ابتدایی دهه ۹۰)، هرگز با یک رأی مخالف نیز مواجه نبوده‌اند. میزان آرای ممتنع به این قطعنامه‌ها نیز تا قبل از سال ۲۰۲۳، از ۱۵ رأی تجاوز نکرده است؛ حتی در قطعنامه سال ۲۰۲۳ که به دلیل اعتراض برخی از دولت‌ها به درج چند عبارت چالش‌برانگیز با ۲۵ رأی ممتنع مواجه گردید، هیچ‌یک از ۱۹۳ دولت حاضر نبودند که به کلیت قطعنامه رأی منفی بدهند^۳. با توجه به مباحث نظری مطرح درباره قدرت حقوقی قطعنامه‌هایی که با اجماع به تصویب می‌رسند، شایان ذکر است که قطعنامه‌های انتخاباتی مجمع عمومی تاکنون شش بار در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ با اجماع دولت‌ها مصوب شده است.

با این توصیف می‌توان نتیجه گرفت که مجمع در حال بیشترین استفاده ممکن از ظرفیت

1. A/C.3/78/L.66 (Russian Federation: amendment to draft resolution A/C.3/78/L.51).

۲. برای مطالعه سوابق رأی‌گیری، نک:

https://digitallibrary.un.org/search?ln=en&p=Periodic%20and%20Genuine%20Elections&f=&rm=&ln=en&sf=&so=d&rg=50&c=United%20Nations%20Digital%20Library%20System&of=hb&fti=0&fct__1=Voting%20Data&fct__2=General%20Assembly&fti=0. Retrieved March 15, 2025

۳. در سال ۲۰۲۳، تعداد ۴۷ دولت (شامل روسیه و ایران) نسبت به درج عبارت «دخیل نمودن زنان در تمام تنوع در فرآیندهای انتخاباتی» اعتراض نموده و خواهان حذف عبارت (In all diversity) به معنای «زنان در تمام تنوعات» شدند. مطالعه سند مشروح مذاکرات این قطعنامه نشان می‌دهد که از نظر بسیاری از دولت‌ها درج عبارت فوق در مقدمه قطعنامه و نیز استفاده از عبارت گرایش جنسی و هویت جنسی (Sexual orientation and gender identity) در پاراگراف اجرایی شماره هفت اختلاف‌برانگیز است، زیرا دلالت معنایی دقیق این عبارات مشخص نیست؛ به همین دلیل تعدادی از دولت‌های نامبرده قطعنامه را با اعلام حق شرط در قبال عبارات فوق پذیرفتند. در نقطه مقابل، نماینده ایالات متحده با استناد به حمایت بیش از ۸۰ درصد دولت‌ها از قطعنامه اظهار نمود که این عدد تفاوت چندانی با اجماع ندارد. نک:

A/78/PV.50 (Official Meeting record of 50th plenary meeting of General Assembly 19 December 2023)

قطعنامه‌های خود برای استانداردسازی انتخاباتی و مجاب ساختن تدریجی دولت‌ها به حرکت در مسیر اجرای اهداف و اصول حقوق بشری سازمان است. هرچند بدیهی است که قطعنامه‌های مجمع عمومی نمی‌توانند یک عمل غیرقانونی را قانونی سازند، اما بی‌تردید می‌توانند با حمایت از برخی مواضع سازمان ملل، باعث ایجاد بسیج عمومی شده، نمایانگر افکار عمومی جهانی باشند (Lande, 1964: 163-4). به همین دلیل برخی از محققان در هنگام تحلیل قطعنامه‌های مجمع عمومی به ارتباط بین مشروع‌سازی^۱ رفتارها با قانونی‌سازی^۲ رفتارها اشاره می‌کنند تا به این ترتیب، تأثیر وزن سیاسی و نیروی اخلاقی بزرگ قطعنامه‌ها را بر قانون‌سازی برجسته سازند (Sloan, 1947: 28). واقعیت این است که هنگام بررسی کارایی حقوق بین‌الملل نباید از این نکته غافل شد که حقوق بین‌الملل می‌تواند التزام را با فراهم ساختن دلایل اخلاقی برای دولت‌ها نیز تقویت نماید (Murphy, 2014: 102). مجمع عمومی در همین راستا با استفاده مناسب از ظرفیت خود در تبدیل شدن به یک شبه‌پارلمان جهانی، استانداردهای برگزاری انتخابات آزاد، منصفانه، شفاف و فراگیر را با ادبیات روشن مطرح نموده است و به طرز فزاینده‌ای موفق به هدایت آرای دولت‌ها در مسیر پذیرش انتظارات اجتماع بین‌المللی در پایبندی به اصول دموکراسی شکلی شده است.

۵. نتیجه‌گیری

امروزه سیر استقبال دولت‌ها از مشارکت بین‌المللی در برگزاری انتخابات ملی فزونی گرفته و نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هدایت این امر بسیار برجسته بوده است. مجمع با تقویت تدریجی متن قطعنامه‌های ادواری انتخاباتی، سیگنال‌های امیدبخشی را در زمینه تداوم اهتمام این رکن اصلی ملل متحد به منظور پاسداشت حقوق شهروندان برای مشارکت در امور عمومی دولت‌های خود مخابره نموده است. تصمیم مجمع در بایگانی نمودن قطعنامه‌های ادواری حاکمیت‌گرا که پیش از این با هدف برقراری توازن با قطعنامه‌های انتخاباتی صادر می‌شد، به‌خوبی نشان می‌دهد که دیگر دولت‌ها نمی‌توانند با پناه گرفتن پشت سپر حاکمیت ملی، از شفاف‌سازی روند برگزاری انتخابات ملی در سرزمین خود استنکاف ورزند. نویسنده با مطالعه تطبیقی روند صدور قطعنامه‌های انتخاباتی و ضد قطعنامه‌های حاکمیتی، درمجموع عملکرد مجمع عمومی را در ترویج انتخابات ملی به‌عنوان یکی از مصادیق تأکيدات حقوق بشری منشور (بند سوم ماده یک، ماده ۱۳، ماده‌های ۵۵ و ۵۶)، مثبت قلمداد می‌کند. بدیهی است که دآوری در خصوص عملکرد مجمع عمومی در موضوع پژوهش را باید با درنظر

1. legitimization

2. legalization

گرفتن محدودیت‌های کارکردی این نهاد انجام داد. از یک سو باید اذعان داشت که مجمع عمومی اصولاً یک پارلمان جهانی نیست و به جای قانون‌گذاری صرفاً در قالب صدور توصیه‌نامه عمل می‌کند و به همین دلیل باید مسیر ارتقای پاسداشت حقوق انتخاباتی را از طریق تشویق دولت‌ها به رعایت داوطلبانه تعهدات خود پیگیری نماید. از سوی دیگر، نظر به مقاومت برخی از دولت‌ها به‌خصوص روسیه و چین به‌عنوان دو قدرت عضو شورای امنیت در زمینه پذیرش معیارهای بین‌المللی انتخابات آزاد و منصفانه، لازم می‌نماید که روند مطالبات ایدئال در یک پروسه زمانی تدریجی، بلندمدت و با اولویت ایجاد اجماع بین دولت‌ها تعقیب شود. ثبت بالاترین آرای ممتنع دولت‌ها به تصویب جدیدترین قطعنامه انتخاباتی ملل متحد تا زمان نگارش این مقاله، نشان می‌دهد که توسعه تدریجی ادبیات قطعنامه باید با احتیاط بیشتری پیگیری شود. ارزش و موفقیت اجرایی قطعنامه‌های مجمع بستگی به این دارد که قطعنامه‌ها بیش از حد از واقعیت پذیرفته‌شده در دنیا فاصله نداشته باشند. این امر به‌خصوص درباره قطعنامه‌هایی صادق است که قرار است به تکرار و تأکید بر رعایت هنجارهای مستقر پردازند. عبارت فوق به این معنی نیست که قطعنامه‌ها همواره و ضرورتاً باید منعکس‌کننده حقوق موجود باشند و قطعاً می‌توان از آنها برای بهبود حقوق و پر کردن خلأ حقوقی و اصلاح وضع موجود استفاده کرد، اما هرگونه تلاشی در این زمینه باید به‌دور از طرح مطالبات غیرواقع‌بینانه و یا بسیار ناهمخوان با واقعیات جاری باشد. یکی از ایرادات اساسی تفکرات پوزیتیویستی و نیز حقوق طبیعی در تحلیل اثر قطعنامه‌ها این است که ایجاد حقوق را به شکل نقطه‌ای بررسی می‌کنند و به فرایند تصمیماتی که منجر به تجویز یا ایجاد حقوق می‌شود توجه کافی ندارند. قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توانند به‌مثابه حقوق نرم به‌تدریج بر رفتار دولت‌ها اثر بگذارند و به‌عنوان ابزار مشروعیت‌ساز برای برخی از رویه‌ها عمل نمایند. در این خصوص به‌نظر می‌رسد که صرف فراتر رفتن حقوق بین‌الملل از تنظیم مناسبات خارجی دولت‌ها به موضوعات درون‌سرزمینی مانند دموکراسی و انتخابات در قرن بیست و یکم را باید یک دست‌آورد برجسته دانست که نشان می‌دهد گفتمان حقوق بین‌الملل با احتیاط معقولی در مدار تحقق آرمان حق تعیین سرنوشت داخلی حرکت می‌کند.

References

A) Books and Articles

1. Asamoah, Obed Y. (1966). The Legal Significance of the Declarations of the General Assembly of the United Nations. The Hague: Martinus Nijhoff.
2. Azizi, Satar (2012). The Role of General Assembly in Codification and Development of the Right to Self-determination. in The Collected Essays of the Conference on the Rule of the UN General Assembly in Codification and Progressive Development of International Law. Tehran: Iranian Association for United Nations Studies. 139-164 (In Persian).
3. Barber, Rebecca (2021). Revisiting the Legal Effect of General Assembly Resolutions:

- Can an Authorizing Competence for the Assembly be Grounded in the Assembly's 'Established Practice', 'Subsequent Practice' or Customary International Law? *Journal of Conflict and Security Law*. 26(1), 9–39. <https://doi.org/10.1093/jcsl/kraa025>
4. Bigdeli, Mohammad Reza (2012). The UN General Assembly and Globalization of International Law. in *The Collected Essays of the Conference on the Rule of the UN General Assembly in Codification and Progressive Development of International Law*. Tehran: Iranian Association for United Nations Studies. 49-63 (*In Persian*).
 5. Bleicher S.A. (1969). The Legal Significance of Re-Citation of General Assembly Resolutions. *American Journal of International Law*. 63(3), 444-478. <https://doi.org/10.2307/2198866>
 6. Chen, Lung-chu (2015). *An Introduction to Contemporary International Law_ A Policy-Oriented Perspective*. Oxford: Oxford University Press.
 7. D'Acquisto, Germana (2017). *A Linguistic Analysis of Diplomatic Discourse: UN Resolutions on the Question of Palestine*. Cambridge: Cambridge Scholars Publishing.
 8. Falk RA. (1966). On the Quasi-Legislative Competence of the General Assembly. *American Journal of International Law*. 60(4), 782-791. <https://doi.org/10.2307/2196928>
 9. Ghanbarloo, A. (2016). The Impacts of Elections on the International Reputation of the Governments: with Emphasis on the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 18(69), 171-196. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350727.1394.18.69.7.3> (*In Persian*).
 10. Ghoreshi, Seyed Yousef (2016). An examination of Security Council resolutions regarding North Korea; a discursive analysis from Fairclough's perspective. *World Politics*, 16 (1), 107-145 (*In Persian*).
 11. Goodwin-Gill, Guy. S. (2006). *Free and Fair Elections*. (Belgrade: Inter-Parliamentary Union).
 12. Higgins, Rosalyn (1963). *The Development of International Law through the Political Organs of the United Nations*. London, New York, Toronto: Oxford University Press.
 13. Jafarifar, Ehsan; Nasiri Hamed, Reza (2022). The Role of the UN Security Council in Adopting Resolutions Against ISIS. *international organizations*, 5 (1), 33-60 (*In Persian*).
 14. Joyner, Christopher C. (1981). UN General Assembly Resolutions and International Law: Rethinking the Contemporary Dynamics of Norm-Creation. *California Western International Law Journal*. 11(3), 445-478.
 15. Lande GR. (1964). The Changing Effectiveness of General Assembly Resolutions. *Proceedings of the American Society of International Law*. 58(1), 162-170. <https://doi.org/10.1017/S0272503700010570>
 16. Liam. Murphy (2014). Varieties of Effectiveness: What Matters? *American Journal of International Law*. 108(1), 99-102. <https://doi.org/10.1017/S2398772300001951>
 17. McDougal. M.S, Lasswell, H.D and Chen. L.C. (2019). *Human Rights and World Public Order; The Basic Policies of an International Law of Human Dignity*. Oxford: Oxford University Press.
 18. McDougal, M.S and Reisman, W.M. (1980). The Prescribing Function in the World Constitutive Process: How International Law is Made. *Yale Studies in World Public Order*. 6(2), 249-84.

19. Molai, Yousef (1994). The executive power of Security Council resolutions (Iraq and Kuwait War). Journal of the Faculty of Law and Political Science, 33 (1), 83-110 ([In Persian](#)).
20. Momeni Rad, Ahmad; Mosavifar, Seyed Hossein (2012). Criteria of Imposing Security Council sanctions and Ignoring human rights Issues in the Security Council's nuclear resolutions against the Islamic Republic of Iran. Islamic Human Rights Studies, 1 (2). 141-162 ([In Persian](#)).
21. Momtaz, Jamshid (2012). The UN General Assembly Resolutions as a New Feature of Codification and Development of International Law. in The Collected Essays of the Conference on the Rule of the UN General Assembly in Codification and Progressive Development of International Law. Tehran: Iranian Association for United Nations Studies. 48-39 ([In Persian](#)).
22. Öberg, Marko Divac (2005). The Legal Effects of Resolutions of the UN Security Council and General Assembly in the Jurisprudence of the ICJ, European Journal of International Law, 16(5), 879–906. <https://doi.org/10.1093/ejil/chi151>
23. Onuf NG. (1970). Professor Falk on the Quasi-Legislative Competence of the General Assembly. American Journal of International Law. 64(2), 349-355. <https://doi.org/10.1017/S0002930000134566>
24. Peterson, M. J. (2005). The United Nations General Assembly. Oxon (UK) and New York, (USA): Routledge.
25. Schwebel, SM. (1979). The Effect of Resolutions of the U.N. General Assembly on Customary International Law. Proceedings of the American Society of International Law. 1973(1), 301-309. <https://doi.org/10.1017/S0272503700064934>
26. Seifi, Seyed Jamal and Zamani, Seyed Ghasem (2000). Introduction in Goodwin-Gill, Guy. S. (2006). Free and Fair Elections in International Law and Practice. Translated by Seyed Jamal Seifi and Seyed Ghasem Zamani (Tehran: S.D.I.L) ([In Persian](#)).
27. Shaw, Malcolm (2021). International Law. Cambridge: Cambridge University Press.
28. Sloan, F. Blaine (1948). The Binding Force of a 'Recommendation' of the General Assembly of the United Nations. British Yearbook of International Law. 25(1), 1-33.
29. Sloan, Blaine (1991). United Nations General Assembly Resolutions in Our Changing World. New York: Transnational Publishers Inc.
30. Solhchi, Mohammad Ali. (2016). The validity of United Nations General Assembly resolutions regarding the Israeli-Palestinian crisis. Journal of Law and Political Science, 1(1). 39-58 ([In Persian](#)).
31. Zamani, Seyed Ghasem (2012). The Challenges and Initiatives of General Assembly in Codification and Progressive Development of International Law. in The Collected Essays of the Conference on the Rule of the UN General Assembly in Codification and Development of International Law. Tehran: Iranian Association for United Nations Studies. 291-283. ([In Persian](#)).

B) Documents

32. Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (2011)
33. International Law Commission Draft Conclusions on Subsequent Agreements and Subsequent Practice in Relation to the Interpretation of Treaties with Commentaries (2008).

34. International Law Commission Draft Conclusions on the Identification of Customary Law (2008)
35. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Reports (1996).
36. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, ICJ Reports (1986).
37. Vienna Convention on the Law of Treaties Between States and International Organizations or Between International Organizations (1986).
38. A_RES_43_157 (1988)
39. A_RES_44_147 (1989)
40. A_RES_50_185 (1995)
41. A_RES_52_119 (1997)
42. A_RES_54_168 (1999)
43. A_RES_56_154 (2001)
44. A_RES_58_189 (2003)
45. A_RES_60_164 (2005)
46. A_RES_62_150 (2007)
47. A_RES_64_155 (2009)
48. A_RES_68_164 (2013)
49. A_RES_70_168 (2015)
50. A_RES_72_164 (2017)
51. A_RES_74_158 (2019)
52. A_RES_76_176 (2021)
53. A_C.3_66_L.71 (2011)
54. A_C.3_68_L.72 (2013)
55. A_C.3_70_L.64 (2015)
56. A_C.3_72_L.65 (2017)
57. A_C.3_74_L.6 (2019)
58. A/C.3/78/L.66 (2023)
59. A/76/266 (2021)
60. A/78/260 (2023)
61. A/78/PV.50 (2023)